

## بررسی تاریخی فعالیت‌های اقتصادی یهودیان همدان در روزگار قاجار

عباس زارعی مهرورز\* / لیلا شریفی\*\*

دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۱

پذیرش مقاله: ۹۳/۱۲/۳

### چکیده

همدان از دیرباز میزبان اقوام و پیروان ادیان مختلف بوده است، که یهودیان یکی از آنان به شمار می‌روند. موقعیت جغرافیایی و اقتصادی همدان و قرار گرفتن آن بر سر راه بازرگانی بین‌النهرین، سبب گردید که یهودیان در دوره قاجار این شهر را مرکز فعالیت‌های اقتصادی خود در غرب ایران قرار دهند. تراکم جمعیت و آزادی نسبی یهودیان در همدان در دوره قاجار باعث گردید که آنان در فعالیت‌های اقتصادی، مانند بازرگانی با بین‌النهرین، پزشکی و عتیقه‌فروشی، به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابند؛ گرچه این فعالیت‌ها پیوسته تحت تأثیر چگونگی روابطشان با اکثریت مسلمان و وقایع بین‌المللی، مانند جنگ جهانی اول، قرار داشت.

نگارندگان، با رویکردی تاریخی و با تکیه بر منابع کلاسیک، سفرنامه‌ها و اسناد، کوشیده‌اند ضمن بررسی اجمالی اوضاع اجتماعی یهودیان در همدان، به طور خاص، به فعالیت‌های اقتصادی آنان در دوره قاجار و تأثیر آن بر جایگاه اجتماعی‌شان بپردازند. این پژوهش بر اساس تحلیل داده‌های تاریخی انجام شده است.

**کلید واژه:** یهودیان، همدان، فعالیت‌های اقتصادی، اوضاع اجتماعی، قاجاریه.

\* عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا. پست الکترونیک: amehrvarz@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: Leila.sharifi89@yahoo.com

## مقدمه

همدان، کهن‌سال‌ترین پایتخت ایران، به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش در غرب ایران، رویدادها و حوادث بسیاری را تجربه کرده است. یهودیان نیز، که قدمت حضور آنان در همدان به دوره‌ی هخامنشی بازمی‌گردد، در دوره‌های گوناگون تاریخی از این موقعیت بهره جستند. در دوره‌ی اسلامی، در باب روابط یهودیان با مسلمانان همواره حساسیت خاصی وجود داشته است. تا پیش از دوره‌ی قاجار، بیشتر یهودیان، از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، از طبقات پایین جامعه به شمار می‌رفتند. به همین دلیل، آنان بسیار کوشیدند دادند تا بتوانند خود را از این موقعیت خارج کنند. بالاخره یهودیان در دوران قاجار توانستند به پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی مهمی دست یابند. یهودیان همدان نیز از این پیشرفت‌ها مستثنی نبودند. آنان با تشکیل مدرسه‌ی آلیانس و به دست گرفتن بازرگانی همدان و شاهراه غرب ایران به بین‌النهرین در این باره نقش مهمی ایفا کردند.

نگارندگان در این مقاله، با رویکردی تاریخی و تکیه بر منابع کلاسیک و سفرنامه‌ها، به روش تحلیلی، ضمن بررسی مختصر جایگاه اجتماعی یهودیان در همدان، به طور خاص، به عملکرد اقتصادی آنان در دوره‌ی قاجار پرداخته‌اند؛ زیرا یهودیان همدان توانستند به رکن مهم اقتصادی غرب کشور تبدیل شوند.

فرضیه‌ی نگارندگان این است که یهودیان برای ارتقای موقعیت اجتماعی خود در همدان در

دوره‌ی قاجار بسیار کوشیدند و فعالیت‌های اقتصادی آنان کوششی در این سو بوده است. بنابراین، پرسش اصلی نگارندگان این است که آیا یهودیان توانستند با فعالیت‌های اقتصادی، جایگاه اجتماعی خود را در همدان تثبیت کنند؟ البته نگارندگان، به هیچ وجه، ادعا ندارند که به تمام زوایای این مباحث پرداخته باشند. لذا می‌توان گفت که این مقاله می‌تواند درآمدی باشد برای پژوهش‌های وسیع‌تر در این باره؛ زیرا هر کدام از دیگر جنبه‌های زندگی یهودیان در همدان می‌تواند مورد بررسی جداگانه قرار گیرد.

## بررسی منابع

در متون تاریخی کمتر به یهودیان، به‌ویژه در همدان، پرداخته شده است؛ همین امر پژوهش درباره‌ی آنان را دشوار می‌کند. اما، خوشبختانه، سفرنامه‌های اروپاییان در ایران تا حدود زیادی نقص منابع تاریخی را برطرف کرده‌اند. مطالعه‌ی شرح و توصیف سیاحان در این باره بسیار جالب است؛ زیرا مانند دیدار از نمایشگاهی متنوع و رنگارنگ است. در این میان، سفرنامه‌های بایندر، اوبن، تودولایی، جکسن، چریکف، گروتسه، موریه، ویشارد و ولز اهمیت بیشتری دارند.

در میان منابع داخلی، خاطرات حاکمان محلی و درباریان درباره‌ی یهودیان داده‌های درخور توجهی دارند. از آنها، خاطرات ظهیرالدوله، که مدتی حاکم همدان بود، و روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه بیشترین اطلاعات را درباره‌ی یهودیان همدان دارند. البته این منابع عمدتاً به

تنش‌های مذهبی از ویژگی‌های عصر قاجار بود. گرچه در این دوران حکم یهودآزاری از سوی قاجار، همانند عصر صفویه، صادر نشد؛ اما یهودآزاری به دستور برخی از شخصیت‌های محلی رواج داشت (سازمان اسناد ملی ایران، سند ۲۱۹۳۱/۲۹۶).

محدودیت‌ها سبب شد یهودیان به تابعیت روسیه، انگلستان یا حتی عثمانی درآیند؛ تا بتوانند در برابر خشونت‌های احتمالی از جانب حکومت مرکزی یا محلی حامی قوی خارجی داشته باشند (زارعی مهرورز، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۴).

در یکی از مشهورترین مزاحمت‌ها برای یهودیان، آنان بر اساس حکم یک روحانی به نام ملا عبدالله بروجردی (۱۳۰۹ هجری)، مجبور شدند، مانند سده‌های نخستین اسلامی، وصله<sup>۱</sup> مخصوصی بر لباس خود بدوزند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۶۵). در آشوبی که در نتیجه آن به وقوع پیوست، تعدادی از یهودیان اسلام آوردند و بسیاری مهاجرت کردند (لوی، ۱۳۷۶: ۴۲۷-۴۲۸). اما در نهایت، قدرت‌های خارجی به شدت به حکومت اعتراض کردند. این امر به پشتیبانی حکومت از یهودیان و انزوای ملا عبدالله انجامید (سازمان اسناد ملی ایران، ۲۱۹۳۱/۲۹۶، ۲۱۹۲۸/۲۹۶). به نظر می‌رسد این کشمکش‌های دینی، همبستگی یهودیان را تقویت می‌کرد. بر اثر ناامنی‌های اجتماعی، یهودیان ترجیح می‌دادند در یک محله با هم‌کیشان خود زندگی کنند، تا به هنگام ضرورت بتوانند از هم دفاع کنند. چریکف و هوگو به این محله جداگانه

اوضاع اجتماعی، جمعیت و شیوه معیشت یهودیان همدان پرداخته و کم‌تر به فعالیت‌های اقتصادی آنان پرداخته‌اند. ایراد عمده این منابع آن است که فاقد تحلیل و حتی گاه حاوی اطلاعات متضاد با یکدیگرند. ازین رو، مورخ باید آنها را با واقعیات دوره‌ی مورد بررسی منطبق سازد تا بتواند موارد غیرتاریخی را از موارد تاریخی تشخیص دهد.

اسناد به‌جا مانده درباره یهودیان نیز بسیار اندک و عمدتاً مربوط به دوره پسا قاجار است.

### اوضاع اجتماعی

در آغاز، پیش از پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی یهودیان همدان در عصر قاجار، لازم است موقعیت اجتماعی و فرهنگی و جمعیت آنان به اختصار بررسی شود.

اوضاع اجتماعی اقلیت‌های دینی یا «ملل متنوعه»، به‌ویژه یهودیان، در دوره قاجار با فراز و فرودهایی روبرو بوده‌است. یهودیان، از لحاظ منزلت اجتماعی و اقتصادی، با مسلمانان تمایز داشتند. شیوه زندگی یهودیان به رفتار و سلوک دینی حاکمان وابسته بود. به طور کلی، اگر حاکم اهل تسامح بود، طبعاً آنان آزادانه‌تر می‌توانستند زندگی نمایند. عهد قاجار، نسبت به دوران گذشته<sup>۱</sup>، دوران محنت‌باری برای آنان بود.

۱. در روزگار شاه عباس دوم، بسیاری از یهودیان مجبور به تغییر آیین بودند و دچار مشکلات بسیار شدند (سیوری، ۱۳۷۸: ۲۲۹). بعدها، در دوران نادر شاه و کریم خان زند، با آنان مساعدت شد.

خانوار تا ۶۰۰۰ نفر برآورد کرده‌اند (در این باره، نک: موریه، ۱۳۸۶: ۳۰؛ فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۵۱؛ چریکف، ۱۳۵۸: ۸۴؛ بروگش، ۱۳۶۷: ۳۰۷؛ کرزن، ۱۳۴۹: ۱؛ ۷۲۰؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۴۰؛ لوی، ۱۳۷۶: ۴۰۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۶۵؛ ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۸۸؛ اوین، ۱۳۶۲: ۳۰۹؛ گروته، ۱۳۶۹: ۱۸۶؛ جکسن، ۱۳۶۹: ۱۷۱؛ Sarshar, 2003; Netzer, 2008؛ همچنین، نک نمودار پیوست.

در برخی گزارش‌های سیاحان و جهانگردان عصر قاجار اطلاعاتی دربارهٔ محلهٔ یهودیان آمده است. چریکف (چریکف ۱۳۵۸: ۸۴) نوشته است که یهودیان همدان محلهٔ جداگانه‌ای داشته‌اند. پولاک و گروته نواحی اطراف مقبرهٔ استر و مردخای را محلهٔ یهودیان دانسته‌اند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۹؛ گروته، ۱۳۶۹: ۱۹۴). با توجه به زندگی نسبتاً مجزای یهودیان، زندگی در این گونه محلات مجزا، علاوه بر هویت‌بخشی و زندگی اجتماعی مناسب‌تر، امنیت لازم را نیز برای آنان فراهم می‌کرده است.

در گذشته همدان به محله‌هایی تقسیم شده بود، که هریک از آنها وجه تسمیهٔ خاصی داشتند. نام‌گذاری برخی از کوچه‌ها و محلات برگرفته از مشاغل ساکنانش بود؛ مانند محلهٔ جولان، که بافنده‌ها در آن سکونت داشتند. بعضی محلات به دلیل سکونت قوم و طایفه‌ای که از دیگر مناطق به آنجا نقل مکان کرده بودند، به نام آن طایفه مشهور می‌شدند؛ مانند محله‌ی بختیاری‌ها. محله‌هایی برای سکونت اقلیت‌ها هم وجود داشت؛ مانند کوچه‌ی فرنگی‌ها، که بیشتر ساکنان

اشاره کرده‌اند (چریکف، ۱۳۵۸: ۸۴؛ گروته، ۱۳۶۹: ۱۹۴). اما آسایش یهودیان در این محله‌ها معمولاً پردوام نبود و گاه عامهٔ مردم، بر اثر سوءتفاهم‌های سیاسی، دینی و اجتماعی، به آنان حمله می‌کردند. در این موارد، شاید هدف اصلی غارت اموال آنان بود.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد هرگاه اوضاع یهودیان به اوج تیرگی می‌رسید، واقعه‌ای، اوضاع را به نفع آنان تمام می‌کرد. انقلاب مشروطه در این باره یک نقطهٔ عطف به شمار می‌رود. در نتیجهٔ مشروطه، حکومت به طور رسمی از یهودیان حمایت کرد و یهودآزاری در جامعه‌ی ایران کم‌کم به حاشیه کشانده شد (لوی، ۱۳۳۹: ۳/ ۸۴۰) و آنان توانستند، بدون محدودیت، مراسم و اعیاد دینی مانند جشن پوریم<sup>۲</sup> و مهمانی‌های دیگر برگزار نمایند و حتی مسلمانان را دعوت نمایند.<sup>۳</sup> پس از مسلمانان، یهودیان همدان از گروه‌های عمدهٔ جمعیت به شمار می‌رفتند. وجود آرامگاه استر و مردخای از علل مهم تراکم جمعیت یهود در همدان به شمار می‌رود (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۳۲؛ هالینگبری، ۱۳۶۳: ۸۰). اما آمارها در این باره متفاوت و گاه متضاد بوده و آنان را بین ۲۰۰

۱. در زمان حکمرانی عزالدوله، در سال ۱۲۹۲ هجری، یکی از شهروندان همدان بر اثر اختلاف با یکی از یهودیان، او را آتش زد که منجر به عزل حاکم، توسط ناصرالدین شاه گردید (فریدالملک، ۱۳۵۴: ۱۵۶). عین‌السلطنه (۱۳۷۸: ۷/ ۴۹۶۸) در بیان این حادثه در خاطرات خود نوشت: «ناصرالدین شاه از یهود طرفداری می‌کند».

۲. جشن پوریم به دورهٔ استر و عمویش مردخای در دربار خشایارشا بازمی‌گردد، که استر توانست عمویش را از خشم وزیر شاه برهاند (هاکس، ۱۳۴۹: ۹۱۸).

۳. سازمان اسناد، ۷۵۹/۹۱. بر اساس عکس‌هایی از یک مهمانی در همدان، که یهودیان در آن شرکت جستند، می‌توان خانواده‌هایی از آنان - مانند رکنی، فرهمند، حریری و یعقوب‌زاده - را از نخستین افراد در همدان دانست که در کشف حجاب مشارکت داشتند (همان).

آن واکنش به فعالیت مدارس مبلغ مسیحیت بود. به تدریج، فرزندان مسلمانان نیز به این مدرسه راه یافتند، که به قول یک سیاح، معجزه‌آسا بود (انه، ۱۳۶۸: ۲۴۳). ظهیرالدوله، حاکم وقت همدان، از این مدرسه دیدار و در آن سخنرانی کرد (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۳۰۳). همچنین، حدود صد یهودی همدانی، در مدرسه امریکایی‌ها، در کنار مسلمانان، به علم‌آموزی مشغول بودند. (عیسوی، ۱۳۶۹: ۹۴؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۱)

علاوه بر این فعالیت‌های آموزشی، «جمعیت زنان یهود در همدان» به سال ۱۳۲۸ تأسیس شد (Netzer, 2008).

می‌توان گفت آلیانس به تعاملات اجتماعی یهودیان و مسلمانان کمک بسیار کرد. تأسیس مدرسه آلیانس در همدان باعث رواج و تسریع روند تجدیدنخواهی و مشروطه‌خواهی شد.

### فعالیت‌های اقتصادی

از لحاظ موقعیت جغرافیایی، شهر همدان به گونه‌ای است که راه‌های شرق، غرب و مرکز ایران را به هم متصل می‌کند. این شهر از یک سو بر سر راه حمل کالا از طریق تبریز به طرابوزان و دریای سیاه و، از سوی دیگر، بصره و بغداد قرار گرفته‌است. هر کالا یا کاروانی که قصد حرکت از این مسیرها را داشت، در این شهر اقامت می‌کرد. رفت و آمد کاروان‌های بازرگانی به این شهر به قدری رایج بود که جکسن در سفرنامه‌اش، از همدان به عنوان «انبار ایران» یاد کرده‌است (جکسن، ۱۳۶۹: ۱۷۱). جان ویشارد

آن ارمنی‌ها و آشوری‌ها بودند. اما یهودیان در محله‌ای خاص زندگی نمی‌کردند و بیشتر در چند کوچه یا بخشی از یک محله می‌زیستند. مانند کوچه‌ی جهودا (جودا)، در بخش شمال و خیابان کلیمی‌ها، در شمال شرق از مرکز و محله‌ی قاشق‌تراشان در بخش غربی شهر (Sarshar, "Hamadan viii. Jewish community", 2003) که بیشتر ساکنان آن یهودی بودند.

زندگی نسبتاً مجزای یهودیان، سبب ایجاد و حفظ خرده‌فرهنگ ویژه‌ای شد، که خودشان نیز در حفظ آن اصرار داشتند. مهم‌ترین فعالیت فرهنگی یهودیان در همدان، در اواخر عهد قاجار، تأسیس مدرسه آلیانس (۱۳۱۸)، به معنی اتحاد است (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۰۸). این مدرسه، که پس از تهران دومین شعبه آن در همدان تأسیس گردید، در بهبود اوضاع اجتماعی و فرهنگی یهودیان همدان نقش چشم‌گیری داشت، معلمان آن فرانسوی بودند (لوی، ۱۳۷۶: ۴۵۷) و زبان آموزشی آن نیز فرانسه بود؛ به همین دلیل، اسناد زیادی درباره آن در ایران و فرانسه موجود است؛ زیرا مرکز اصلی در آنجا مستقر بود. البته امکان آموزش یهودیان در همدان پیش از تأسیس آلیانس نیز فراهم بود. پیش از آن، مدرسه‌ای توسط انجمن لندن در همدان تشکیل گردید (۱۳۰۶)، که هدف آن ترویج مسیحیت بین یهودیان بود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۲۶۹). ارتقای سطح فرهنگی یهودیان و کاهش یهودستیزی از اهداف بنیان‌گذاران آلیانس بود. ضمناً، شاید هدف دیگر

نیز در مورد موقعیت اقتصادی و بازرگانی همدان چنین گفته است:

شهری پردادوستد و تجاری است؛ مرکز توزیع کالا به تمام قسمت‌های کردستان است، که در جهت غربی جنوب آن قرار دارد. همچنین، بازار عمده و مهمی است برای قبایل مختلف لرستان (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۳۹).

اکنون پرسش این است که با توجه به موقعیت اقتصادی همدان، وضعیت اقتصادی یهودیان چگونه بوده و نقش آنان در بازرگانی و اقتصاد همدان تا چه میزان بوده است؟ طبق قانون، خانواده‌های ارمنی، یهودی و زرتشتی باید مبلغی را به عنوان جزیه به دولت می‌پرداختند (کنت دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۰۷). به طور مسلم، این امر بر سطح معیشت و شاید میزان فعالیت‌های اقتصادی آنان تأثیرگذار بود. افزون بر این، از لحاظ روانی هم اثرات سوئی بر آنان داشت. زیرا فقط به دلیل تفاوت در دین، فشار اقتصادی و روانی زیادی را تحمل می‌کردند. اما با تحولات تاریخی و پیروزی مشروطه، یهودیان از پرداخت جزیه معاف شدند (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۱۰).

محدودیت‌های اجتماعی سبب محدودیت‌های اقتصادی یهودیان می‌شد. در این باره جیمز موریه می‌نویسد: «در اینجا نیز، مانند سراسر ایران، یهودیان نژاد پست به شمار می‌روند و با پرداختن به کارهای ناچیز گذران زندگی می‌کنند» (موریه، ۱۳۸۶: ۲/۳۰۶). یهودیان کم‌درآمد با شغل‌هایی با منزلت اجتماعی پایین گذران می‌کردند. دوره‌گردی و پبله‌وری را از این

شغل‌ها شمرده‌اند (گروته، ۱۳۶۹: ۱۹۳). این گروه در پایین‌ترین سطح بازار قرار داشتند و گذشته از این، در بین جامعه یهود نیز از طبقات پایین به شمار می‌رفتند. اما باید گفت که مشاغل یهودیان تنوع داشته است. ویلز در این باره می‌نویسد:

نوازندگی، رقاصی، آوازخوانی، جواهرفروشی، طلا و نقره‌سازی، شراب و عرق‌فروشی و کارهای دیگر [را]، که مسلمانان از دست زدن به... [آنها] ابا دارند... به عهده یهودیان می‌گذارند» (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۱۴).

بنابراین، یهودیان به فعالیت‌های اقتصادی خاصی می‌پرداختند که برای آنان منعی ایجاد نمی‌کرد و مسلمانان نیز به آنها کم‌تر می‌پرداختند. همچنین، از شغل‌های خاص یهودیان، حرفه طبابت و پزشکی بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۰۹). به طوری که می‌توان گفت حرفه درمان و پزشکی همدان در اختیار یهودیان بوده است. پس از تأسیس مدرسه آمریکایی در همدان، از مجموع صد دانش‌آموخته یهودی آن، تعدادی به حرفه پزشکی اشتغال یافتند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۱). شاید یهودیان با حرفه پزشکی نوعی امنیت خاطر و احترام اجتماعی نیز کسب می‌کردند؛ زیرا بیماران مسلمان نیز به آنها نیاز داشتند. ضمناً، پزشکان خود تعیین‌کننده نرخ خدماتشان بودند و معمولاً بیماران نیز آن هزینه‌ها را پذیرفته و می‌پرداختند.

فروختن عتیقه‌جات از دیگر حرفه‌هایی بود که یهودیان همدان به آن مشغول بودند. به طوری که سیاحی از این شهر به عنوان «ارض موعود

می‌توان گفت کوشش طولانی‌مدت یهودیان برای ارتقای موقعیت و حضور در بازار و بازرگانی، منجر به تعاملات اجتماعی بسیار بهتر آنان با مسلمانان شد. البته می‌توان گفت، بر خلاف عوام، رابطه قشر متنفذ و طبقه بالای جامعه با یهودیان مطلوب بود و، بر این اساس، با آنان مبادلات متعدد اقتصادی داشتند. داد و ستد سبب به‌وجود آمدن زنجیره‌ای از روابط اجتماعی شد، که در نهایت منجر به بهبود روابط با آنان گشت. مواردی پیش می‌آمد که یهودیان و مسلمانان، برای رسیدن به هدف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کردند. از جمله در قحطی مصنوعی سال ۱۳۲۴، که بر اثر احتکار گندم توسط ملاکین و خوانین، شهر دچار کمبود نان شده بود، آنان، به اتفاق، چند بار در تلگراف‌خانه همدان تحصن کردند (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۱۷۳). این همکاری و اتحاد از دلایل پیروز شدن مردم در برابر محتکران بود.

یهودیان توانستند، به مرور، موقعیت خود را از کشاورزی و زندگی روستایی به داد و ستد در شهر ارتقا دهند. شاید بدان دلیل که در شهر بهتر می‌توانستند از خودشان مراقبت کنند و امکان هر روز رفتن به کنیسه نیز وجود داشت (Brauer 1993: 206, 212).

تاجران یهودی همدان در بازرگانی با کشور عثمانی سهیم بودند (گروه، ۱۳۶۹: ۱۸۶). همچنین، سهم عمده‌ای در داد و ستد و مبادله کالا با بین‌النهرین بر عهده داشتند. بنابر گزارش سفیر انگلستان، «هشتاد درصد تجارت [کرمانشاه

عتیقه‌چی‌ها و عتیقه‌فروش‌ها» یاد می‌کند (درو شوار، ۱۳۷۸: ۱۸). اما برخی یهودیان، با اقدامات نسنجیده خود، سبب انتقال آثار باستانی و ملی به خارج از کشور شدند. از یادداشت سیاح دیگری برداشت می‌شود که یهودیان به تنهایی در کار قاچاق عتیقه نبودند، بلکه با پرداختن مبلغ کلانی رشوه به کارگزاران حکومتی اجازه کاوش می‌یافتند. آنان شبانه به کاوش‌های غیرعلمی و غیرمجاز می‌پرداختند (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۱۴). قاچاق عتیقه سود کلانی نصیب عوامل حکومتی و یهودیان می‌کرد. از جمله شغل‌های دیگری که یهودیان بدان مبادرت می‌ورزیدند، جعل سکه‌های قدیمی و باستانی بود. مشتریان این سکه‌ها اروپاییانی بودند که به همدان سفر می‌کردند (فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۵۱؛ بروگش، ۱۳۶۷: ۳۱۵؛ اذکائی به نقل از گزارش رستم خارگات، ۱۳۸۰: ۴۷۳).

بنا بر گزارش سفرنامه‌نویس‌ها، یهودیان همدان و شاید مناطق غرب ایران، بر خلاف یهودیان بسیاری دیگر از مناطق ایران، در بازار پذیرفته شده و به کسب و کار مشغول بودند (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۰۹). ایجاد راسته‌ای با نام بازار یهودیان، نشان‌دهنده نقش پررنگ آنان در بازار همدان بود. البته این وضعیت در بازارهای کرمانشاه و کردستان نیز وجود داشت. در جریان شورش سالارالدوله علیه دولت مشروطه و در غارت بازار همدان توسط قشون او، علاوه بر مغازه‌های مسلمانان، به حجره‌های ارمنیان و یهودیان نیز آسیب وارد شد (الهی، ۱۳۷۱: ۱۴۱).

همدان در عصر قاجار بود، مطلبی ذکر نشده است. می‌توان گفت به دلیل سخت و طاقت‌فرسا بودن این مشاغل، یهودیان رغبتی برای انجام دادن آنها نداشتند؛ زیرا آنان به دنبال مشاغل راحت و پردرآمد بودند.

با وقوع انقلاب مشروطه، یهودیان انتظار داشتند در فعالیت‌های اقتصادی خویش از آزادی عمل بیشتری داشته باشند. اتفاقاً، در نخستین طرح قانون اساسی مشروطه هم به این موضوع اشاره شد: آنهایی که در ایران خارج از دین هستند، از قبیل مسیحیان و یهودیان و گبرها و سایر مذاهب مختلفه، یا رعایای خود ایران باشند یا آنها که به طور کسب و تجارت به ایران آمده‌اند، علی‌ای حال، باید آسوده و محترم باشند و دست مزاحم احدی به آنها نباید برسد (آدمیت: ۱۹۸).

اما با ایجاد شرایط جدید پس از مشروطه، می‌توان گفت که این امیدواری، دست‌کم برای سالیانی چند، بی‌مورد بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی کلی، یهودیان ساکن همدان در دوره قاجار با عوامل گوناگون محدود کننده اجتماعی و اقتصادی در مبارزه بودند. به دلیل ذهنیت رایج عامه مردم نسبت به یهودیان، محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های اقتصادی یهودیان پیش آمد. اما یهودیان از دشواری‌های زندگی‌شان به سود خود بهره‌برداری کردند. البته پس از انقلاب مشروطه، وضعیت آنان دگرگون شد؛ یهودآزاری بسیار اندک شد و از آن پس

و همدان] در دست تجار یهودی» بود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۹۴). بنابر نوشته گروته: «از دیرباز روابط خویشاوندی و تجاری بین یهودیان همدان و یهودیان بغداد وجود داشت» (گروته، ۱۳۶۹: ۱۸۶). همین دین مشترک، در منطقه بین‌النهرین، با مرکزیت بغداد، سبب پیوند اقتصادی و گسترش روابط بازرگانی یهودیان غرب ایران با یهودیان بین‌النهرین شده بود. بنابراین، شاید بتوان ادعا کرد که محور عمده اقتصاد یهودیان همدان، بازرگانی بوده است. بازرگانان یهودی سهمی عمده در تجارت خارجی ایران را در دست داشتند. همچنین آنان، با توجه به حجم بالای داد و ستد، به سود سرشار و ثروت زیادی دست می‌یافتند.

در میان یهودیان همدان، قشر مرفه و متوسط و ضعیف وجود داشت، که از نظر منزلت اجتماعی و ثروت، با یکدیگر تفاوت بسیار داشتند. در این میان، طبقه متوسط و خرده‌فروش ستون فقرات بازار به شمار می‌رفتند. عده‌ای از بازاریان یهودی به قدری مرفه بودند که احتشام-الدوله فرزند حسام‌الملک، از خوانین رسته قراقرز، از آنان کمک مالی دریافت می‌کرد (لوی، ۱۳۳۹: ۳ / ۸۶۷). بنابراین، نوشته‌های برخی از سیاحان اروپایی، مبنی بر نکبت‌بار بودن زندگی یهودیان، خیلی کلی بوده و با توجه به مطالب پیشین، دور از واقعیت به نظر می‌رسد. گذشته از این، شاید برخی از یهودیان تظاهر به فقر می‌کردند تا مالیات یا جزیه کم‌تری بپردازند. در هیچ یک از منابع از حضور یهودیان در صنعت چرم‌سازی و قالی‌بافی، که از صنایع مهم



بازرگانان مسلمان به اندازه بازرگانان یهود از اوضاع اقتصادی مطلع نبودند و حتی در برخی موارد از آنان دنباله‌روی می‌کردند.

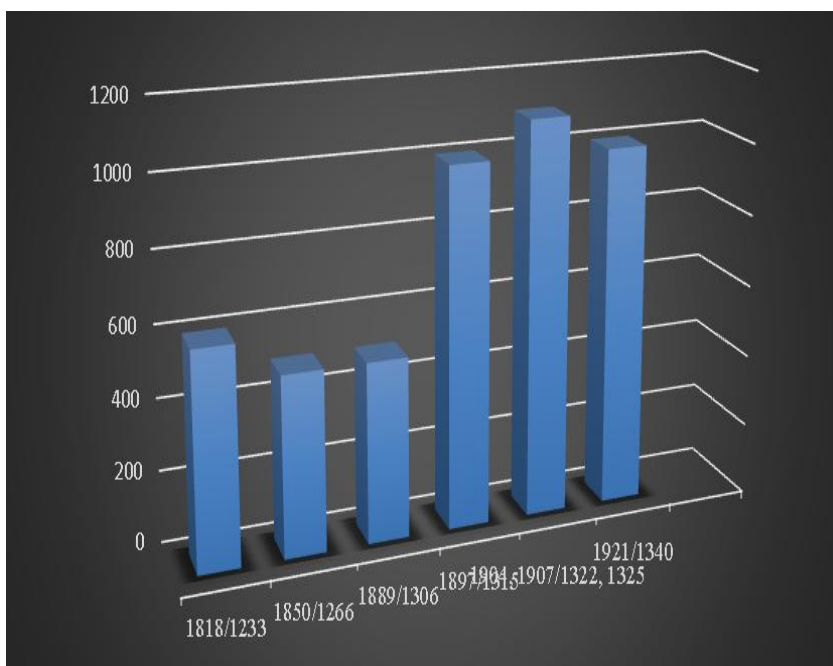
رشد یهودیان در فعالیت‌های اقتصادی تدریجی، تاریخی و بلندمدت بود؛ این امر نه تنها در همدان، بلکه در تمام ایران به همین روال بود. بسیاری از آنان بدین منظور، از روستاها و زندگی کشاورزی به شهرها روی آوردند و شغل‌های پرسودی مانند بازرگانی، صرافی، دلالی و پزشکی را در دست گرفتند. تمام کوشش یهودیان در دوره قاجار برای همین هدف بود. اما وقوع جنگ جهانی اول در اواخر عصر قاجار، تمام معادله‌های اقتصادی یهودیان را برهم زد و به نوعی می‌توان گفت آنان را در تنگنای کامل قرار داد. این جنگ بر مهم‌ترین شاخه فعالیت اقتصادی یهودیان همدان، یعنی بازرگانی با بین‌النهرین، آسیب جدی وارد کرد. یکی از نتایج مهم جنگ، بر هم خوردن روابط یهودیان و جامعه‌ی اسلامی پیرامون بود؛ بنابراین، یهودیان ناچار شدند هدف بلندمدت خود، یعنی ارتقای موقعیت اجتماعی از راه فعالیت‌های اقتصادی را رها سازند. علاوه بر آن، جنگ سبب افزایش تعصبات دینی در منطقه گردید؛ که این امر تأثیر مستقیمی بر روحیات یهودیان و تمایل آنان به مهاجرت گذارد. به همین دلیل، جمعیت آنان در طی چند سال کاهش یافت و بیشتر آنها از ایران و، به‌ویژه همدان، مهاجرت کردند. هم‌چنان که پیش‌تر ذکر شد، کاهش جمعیت، به نوبه خود، جایگاه ممتاز اقتصادی یهودیان همدان را در

دیگر نه خبری از وصله جودی بود، نه پرداخت مالیات سرانه. این امر زمینه اجتماعی و قانونی مناسبی را فراهم آورد تا یهودیان همدان فعالیت‌های اقتصادی خود را افزایش دهند. البته با وجود برخی از این محدودیت‌ها در دوره قاجار، یهودیان در بازار همدان پذیرفته شده بودند و می‌توانستند به راحتی به کسب و کار و بازرگانی بپردازند. سهم عمده‌ای از صادرات و واردات همدان با کشور عثمانی و ناحیه بین‌النهرین در دست بازرگانان یهود بود. اما شاید دلیل اینکه بازرگانان یهودی توانستند نبض اقتصادی و بازرگانی را در دست بگیرند، همانا محدودیت‌های اجتماعی پیشین بود، که آنان را وادار کرد به فعالیت‌هایی بپردازند که هم حساسیت کم‌تری در جامعه ایجاد می‌کرد و هم سود بیشتری نصیبشان می‌کرد؛ ضمناً، مسلمانان رغبت کم‌تری نسبت به این مشاغل داشتند و آنان با توجه به این خلأ و نیاز جامعه‌ی همدان، توانستند با امنیت خاطر به این مشاغل بپردازند و در آنها به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابند. از این رو، جز بازرگانی، به مشاغلی مانند پزشکی و دلالی هم روی آوردند. با این اقدام هم توانستند جایگاه اجتماعی خود را در همدان ارتقا بخشند و هم با هم‌کیشان خود در همدان و بین‌النهرین نوعی اتحاد برقرار کردند. موقعیت جغرافیایی همدان و قرار گرفتن آن بر سر راه بازرگانی بین‌النهرین و عتبات، در این راه نقش کلیدی داشت؛ به ویژه آنکه آنان از جزییات داد و ستد به خوبی مطلع بودند. به نظر می‌رسد

شدن در سرزمین فلسطین و اعطای تسهیلات به آنان بود؛ که بی‌شک در کاهش جمعیت یهودیان در همدان نقش بسیار مؤثری داشت.

عصر قاجار به شدت متزلزل کرد. در واقع، پس از جنگ یهودیان همدان هیچ‌گاه نتوانستند جایگاه پیشین خود را به دست آورند. اما جنگ تنها یکی از عوامل تضعیف جایگاه یهودیان همدان بود. عامل مهم دیگر، تبلیغات جهانی آژانس‌های تازه‌تأسیس یهودی، مستقر در اروپا، در تشویق یهودیان به مهاجرت و متمرکز

نمودار تغییرات جمعیتی یهودیان ساکن همدان در عهد قاجار بر اساس خانوار و سال



## توضیح نمودار

گرچه از این آمارهای متناقض نمی‌توان به نتیجه قطعی دست یافت، در یک نگاه کلی به آمارهای ارائه شده در منابع گوناگون، می‌توان گفت که دو دسته داده‌های کاملاً متناقض درین باره وجود دارند: یک دسته، تعداد آنها را تا دهه هفتم از سده ۱۳، حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ خانوار؛ و دسته دیگر، در طول سده ۱۳، جمعیت آنان را حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ خانوار برآورد کرده‌اند. اما صرف نظر از آمار ظهیرالدوله، عمده آمارها در عصر مشروطه نشان‌دهنده افزایش دو برابری جمعیت یهودیان همدان است. البته برای دست‌یابی به یک آمار نسبی، می‌توان از برخی داده‌های متناقض در یک دوره زمانی چشم‌پوشی کرد. آمار ظهیرالدوله (دو هزار نفر) با آنکه متناقض با روند افزایش جمعیت یهودیان همدان در عصر مشروطه است، قابل اعتناست؛ زیرا او حاکم همدان بود و، همچنین، به درست‌نویسی شهره است. می‌توان گفت که منظور او فقط یهودیان شهر همدان بوده و دربر گیرنده آمار یهودیان روستاهای اطراف نبوده است. تبلیغ بابی‌گری و بهاییت در میان یهودیان (لوی، ۱۳۷۶: ۳۸۰)، وقوع قحطی عمومی و سراسری در دو نوبت ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۲ و ۱۲۹۰، که مهم‌ترین پیامدهای آن شیوع بیماری‌های واگیر و افزایش مرگ و میر بود؛ یا تشویق یهودیان برای گرویدن به آیین مسیحیت توسط هیئت‌های مذهبی امریکایی (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۸۶)، طبعاً بر روند رشد جمعیت یهودیان تاثیر منفی می‌گذاشت. اما شاید پدیده مهاجرت یهودیان از سایر مناطق غربی ایران به

همدان و تمرکز آنان در این ایالت، به دلیل شرایط مساعدتر زندگی و وجود مقبره استر و مردخای، یا بنابر نوشته گروته، مهاجرت آنان در نتیجه‌ی افزایش جمعیت و کاهش مشاغل (گروته، ۱۳۶۳: ۱۹۳) و نیز واقع شدن همدان بر سر راه تجاری بین‌النهرین، عامل دو برابر شدن جمعیت‌شان در عصر مشروطه باشد. بنابر این و با توجه به داده‌های مذکور، می‌توان گفت که جمعیت یهود همدان در عهد قاجار از ۵۰۰ خانوار به حدود ۹۰۰ خانوار افزایش یافته است.

## منابع

- اذکایی، پرویز. (۱۳۸۰). *همدان‌نامه*. همدان: مادستان.
- اعتمادالسلطنه. (۱۳۴۵). *روزنامه خاطرات*. تهران: امیرکبیر.
- الهی، حسین. (۱۳۷۱). «اسنادی در رابطه با فتنه سالارالدوله». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. س ۳۵. ش ۱ و ۲.
- انه، کلود. (۱۳۶۸). *خاطرات سفر کلودانه در آغاز مشروطیت*. ترجمه ایرج پروشانی. تهران: معین.
- اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- بایندر، هانری. (۱۳۷۰). *سفرنامه هانری بایندر*. ترجمه کرامت‌الله افسر. بی‌جا: یساولی.
- بروگش، هنریش. (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه حسین کردبچه. تهران: اطلاعات.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک-ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهانمندی. تهران: خوارزمی.

- تودولایی، بنیامین. (۱۳۸۰). *سفرنامه رابی بنیامین تودولایی*. ترجمه ناطق مهوش. تهران: کارنگ.
- جکسن، آبراهام ویلیام. (۱۳۶۹). *سفرنامه جکسن*. ترجمه منوچهرامیری، فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.
- چریکف. (۱۳۵۸). *سیاحت‌نامه مسیو چریکف*. ترجمه آیکار مسیحی. تهران: زوار.
- درووش‌شوار، کنت ژولین. (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*. ترجمه مهران توکلی. تهران: نشر نی.
- زارعی مهرورز، عباس. (۱۳۸۵). *اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول*. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه شهید بهشتی.
- سازمان اسناد ملی ایران. *سندهای ۲۹۶/۲۹۶، ۲۱۹۳۱/۹۱، ۲۱۹۲۸/۷۵۹*.
- سرنا، مادام کارلا. (۱۳۶۲). *سفرنامه‌ی مادام کارلاسرنا*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۸). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز، ج ۷.
- ظهیرالدوله. (۱۳۵۱). *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*. تهران: کتاب‌های جیبی.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. تهران: ج ۷.
- فریدالملک همدانی، میرزا محمد علی خان. (۱۳۵۴). *خاطرات فرید*. تهران: زوار.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نورصادقی. بی‌جا: نقش جهان.
- کرزن، ج. ن. (۱۳۴۹). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ج ۲.
- کنت دوسرسی. (۱۳۶۲). *سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی*. ترجمه احسان اشراقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گروته، هوگو. (۱۳۶۹). *سفرنامه هوگو گروته*. ترجمه مجید جلیل‌وند. تهران: مرکز.
- گرین ویلر بنجامین، سامویل. (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان*. ترجمه رحیم رضازاده ملک. بی‌جا: نشر نی.
- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۵). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمدمعین. تهران: علمی و فرهنگی.
- لمپتون، آ. ک. س. (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار*. ترجمه سیمین فصیحی. مشهد: جاویدان خرد.
- لوی، حبیب. (۱۳۳۹). *تاریخ یهود ایران*. تهران: بنیاد فرهنگی حبیب لوی. ج ۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *تاریخ جامع یهود ایران*. تهران: بنیاد فرهنگی حبیب لوی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران.
- موریه، جیمز. (۱۳۸۶). *سفر دوم - ایران، ارمنستان، آسیای صغیر*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- ووستنفلد، فردیناند، ادوارد، ماهر. (۱۳۶۰). *تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی*. ترجمه حکیم‌الدین قریشی. تهران: فرهنگسرای نیاوران.
- ویشارد، جان. (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*. ترجمه علی پیرنیا. تهران: نوین.
- ویلز (۱۳۶۸). *ایران در یک سده پیش*. ترجمه غلامحسین قراگوزلو. بی‌جا: اقبال.

Brauer, Erich (1993). *The Jews of Kurdistan*. Completed and edited by Raphael Patai. Michigan: Wayne State University Press.

Netzer, Amnon (2<sup>nd</sup> ed.) (2008). "Hamadan", *Ency. Judaica*.

[http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/judaica/ejud\\_0002\\_0008\\_0\\_08285.html](http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/judaica/ejud_0002_0008_0_08285.html) (1392).

Sarshar, Houman (2003). "Hamadan viii. Jewish community". *Ency. Iranica*.

<http://www.iranicaonline.org/articles/hamadan-viii> (1392).

هالینگبری، ویلیام. (۱۳۶۳). *روزنامه سفر هیأت سر*

جان ملکم. ترجمه امیر هوشنگ امینی. تهران:

کتاب‌سرا.

هاکس، جیمز. (۱۳۴۹). *کتاب قاموس*. تهران:

طهوری.